

تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی

باقر صفرزاده^۱

علی باباخانی*^۱

چکیده

این مقاله به تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر مبنای فقه اسلامی و مقایسه آن با سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای منتخب اسلامی و غیراسلامی می‌پردازد. در این تحقیق، ابتدا مفاهیم و مبانی نظری مرتبط با پیشگیری از جرم از منظر فقه اسلامی بررسی شده و سپس نقاط قوت و ضعف سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین، این مقاله با بررسی تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای منتخب، چالش‌های موجود در پیاده‌سازی این سیاست‌ها در ایران را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود این سیاست‌ها با توجه به مبانی فقه اسلامی ارائه می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران با تأکید بر اصول عدالت و اصلاح مجرمان، دارای پتانسیل‌های قابل توجهی است، اما نیاز به بازنگری و تطبیق با شرایط اجتماعی و فرهنگی کنونی دارد. در نهایت، پیشنهادهایی برای تقویت هماهنگی بین نهادهای اجرایی و قضایی و بهبود بسترهای فرهنگی و اجتماعی به منظور کاهش جرم و ارتقاء امنیت اجتماعی ارائه شده است.

کلیدواژه‌گان: پیشگیری از جرم، فقه اسلامی، سیاست جنایی، حقوق ایران، تحلیل تطبیقی.

۱. گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: alibabakhani56@gmail.com

مقدمه

پیشگیری از جرم یکی از مهمترین و پیچیده‌ترین موضوعات در نظام‌های حقوقی و جنایی است که هدف آن جلوگیری از وقوع جرائم و کاهش میزان وقوع آن‌ها در جامعه است. در جوامع اسلامی، پیشگیری از جرم به دلیل جایگاه ویژه‌ای که اخلاق و شریعت در زندگی اجتماعی و فردی دارند، اهمیت بیشتری دارد. در این زمینه، فقه اسلامی به عنوان منبع اصلی قوانین و مقررات در کشورهای اسلامی، نقش حیاتی در تدوین سیاست‌های پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. در مقابل، جوامع غیراسلامی نیز با توجه به تجربیات تاریخی و علمی خود، رویکردهای متنوعی را در پیشگیری از جرم اتخاذ کرده‌اند.

پیشگیری از جرم به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست جنایی، به معنای مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیر است که هدف آن‌ها جلوگیری از وقوع جرم و کاهش فرصت‌های مجرمانه است (Clarke, 1995). این مفهوم در دو سطح نظری و عملی، تفاوت‌هایی در جوامع اسلامی و غیراسلامی دارد. در جوامع اسلامی، پیشگیری از جرم نه تنها به عنوان یک اقدام عملی، بلکه به عنوان یک وظیفه شرعی و اخلاقی تلقی می‌شود که با تربیت دینی، آموزش‌های مذهبی، و ترویج اخلاق اسلامی همراه است (Al-Haitham, 2004). به عبارت دیگر، پیشگیری از جرم در اسلام با مفاهیمی مانند "امر به معروف و نهی از منکر" گره خورده است که به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پاک است.

در مقابل، در جوامع غیراسلامی، پیشگیری از جرم بیشتر بر پایه‌های علمی و تجربی قرار دارد و از نظریه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، و جرم‌شناسی بهره می‌برد (Garland, 2001). این رویکردها معمولاً به بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی مؤثر بر جرم و تدوین سیاست‌هایی برای کاهش این عوامل می‌پردازند. از این رو، می‌توان گفت که تفاوت‌های مفهومی و عملیاتی در پیشگیری از جرم در جوامع اسلامی و غیراسلامی، ناشی از تفاوت در ارزش‌ها و نظام‌های اخلاقی و قانونی این جوامع است.

تاریخچه سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران با توجه به تأثیرات عمیق فقه اسلامی بر نظام حقوقی و قضایی کشور، قابل بررسی است. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تحولی بنیادین در سیاست‌های پیشگیری از جرم رخ داد که بر مبنای اصول و قواعد فقه اسلامی استوار بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف خود، به ویژه در اصول ۲، ۴، و ۸، به نقش محوری فقه اسلامی در قانونگذاری و سیاست‌گذاری تأکید دارد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

از این رو، سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران به طور عمده بر پایه تعالیم اسلامی و اصول فقهی همچون عدالت، تقوا، و امر به معروف و نهی از منکر تدوین شده‌اند. به عنوان مثال، قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین مرتبط با جرم و جنایت، به وضوح تأثیرات فقهی را نشان می‌دهند (نجفی، ۱۳۸۸). این تأثیرات نه تنها در تعیین جرایم و مجازات‌ها، بلکه در روش‌های پیشگیری از جرم نیز مشهود است. در این راستا، نهادهای اجرایی و قضایی کشور نیز موظف به اجرای این قوانین و نظارت بر اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم هستند.

این مقاله با هدف تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی نگاشته شده است. پرسش‌های اصلی تحقیق

عبارتند از:

سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران تا چه میزان با اصول و قواعد فقه اسلامی همخوانی دارند؟

سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران چگونه با سیاست‌های مشابه در کشورهای اسلامی و غیراسلامی مقایسه می‌شوند؟

تأثیر فقه اسلامی بر تدوین و اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران چگونه است؟

مبانی نظری و مفهومی

پیشگیری از جرم به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی سیاست جنایی، به مجموعه‌ای از اقدامات و تدابیری اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها جلوگیری از وقوع جرم است. این مفهوم در دو سطح حقوقی و اجتماعی قابل بررسی است. از منظر حقوقی، پیشگیری از جرم به معنای اتخاذ تدابیری است که فرصت‌های وقوع جرم را کاهش می‌دهد و شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی را به نحوی تغییر می‌دهد که فرد از ارتکاب جرم منصرف شود (Clarke, 1983). این اقدامات می‌تواند شامل افزایش نظارت، اصلاحات ساختاری، و تقویت سیستم‌های اجرایی باشد. از منظر اجتماعی، پیشگیری از جرم به معنای ایجاد تغییرات فرهنگی و تربیتی در جامعه است که منجر به کاهش انگیزه‌های مجرمانه در افراد می‌شود (Farrington & Welsh, 2007). این نوع پیشگیری معمولاً با آموزش، ارتقای سطح آگاهی عمومی، و تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی همراه است.

انواع پیشگیری (اولیه، ثانویه، ثالثیه) و جایگاه آن‌ها در سیاست‌های جنایی

پیشگیری از جرم به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود: پیشگیری اولیه، ثانویه، و ثالثیه (Brantingham & Faust, 1976). پیشگیری اولیه: این نوع پیشگیری شامل اقدامات و تدابیری است که قبل از وقوع جرم انجام می‌شود و هدف آن کاهش عوامل زمینه‌ساز و فرصت‌های مجرمانه است. مثال‌هایی از پیشگیری اولیه شامل آموزش‌های عمومی، ایجاد محیط‌های سالم اجتماعی، و تقویت نظام‌های حمایتی اجتماعی است. پیشگیری ثانویه: این نوع پیشگیری به شناسایی و مداخله در مواردی می‌پردازد که خطر وقوع جرم بالاست، اما هنوز جرمی رخ نداده است. برنامه‌های مداخله‌ای برای گروه‌های در معرض خطر، تقویت نظارت و پلیس محلی، و توسعه سیستم‌های هشدار دهنده می‌تواند از جمله اقدامات پیشگیری ثانویه باشد. پیشگیری ثالثیه: این نوع پیشگیری پس از وقوع جرم و با هدف جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمان صورت می‌گیرد. اصلاح و بازپروری مجرمان، تقویت نظارت پس از آزادی، و ارائه خدمات حمایتی از جمله راهکارهای پیشگیری ثالثیه است. این سه نوع پیشگیری هر کدام نقش مهمی در تدوین و اجرای سیاست‌های جنایی دارند و می‌توانند در کاهش جرم و افزایش امنیت اجتماعی مؤثر باشند.

فقه اسلامی و سیاست جنایی

مفهوم فقه اسلامی و اهمیت آن در نظام حقوقی ایران

فقه اسلامی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق در کشورهای اسلامی، مجموعه‌ای از قوانین و قواعد شرعی است که بر پایه قرآن، سنت، اجماع و قیاس استوار است (Kamali, 2003). فقه اسلامی نقش محوری در تعیین و تدوین قوانین و سیاست‌های جنایی در ایران دارد. اهمیت فقه اسلامی در نظام حقوقی ایران به اندازه‌ای است که اصول قانون اساسی نیز بر مبنای آن تنظیم شده‌اند و کلیه قوانین کشور باید با اصول و احکام شرعی همخوانی داشته باشند.

رابطه فقه اسلامی با قانونگذاری در ایران و تأثیر آن بر سیاست‌های پیشگیری از جرم

در ایران، فقه اسلامی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر فرآیند قانونگذاری و تدوین سیاست‌های پیشگیری از جرم تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، قانون مجازات اسلامی که یکی از اصلی‌ترین قوانین جنایی کشور است، به وضوح بر مبنای اصول فقهی تدوین شده است (Alipoor & Karami, 2011). این تأثیر نه تنها در تعیین جرم و مجازات‌ها، بلکه در تعیین روش‌ها و تدابیر پیشگیری از جرم نیز مشهود است. فقه اسلامی با تأکید بر مفاهیمی مانند عدالت، قصاص، تعزیر، و همچنین اصولی چون امر به معروف و نهی از منکر، چارچوبی برای پیشگیری از جرم ارائه می‌دهد که با مبانی حقوقی و اخلاقی اسلامی همخوانی دارد. این چارچوب نه تنها در سطح قوانین رسمی، بلکه در سطح اجرای عدالت و نظارت اجتماعی نیز مؤثر است.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌های مرتبط با پیشگیری از جرم در فقه اسلامی

فقه اسلامی در حوزه پیشگیری از جرم، به مفاهیمی چون عدالت، حفظ حقوق افراد، و ترویج ارزش‌های اخلاقی تأکید دارد. یکی از نظریه‌های کلیدی در این زمینه، نظریه "امر به معروف و نهی از منکر" است که به عنوان یک وظیفه شرعی، همه افراد جامعه را به دخالت در جلوگیری از وقوع جرم و اشاعه فساد دعوت می‌کند (Motahari, 1980). این نظریه در واقع یک رویکرد اجتماعی به پیشگیری از جرم است که تأکید بر مسئولیت جمعی در ایجاد جامعه‌ای سالم و عادلانه دارد. علاوه بر این، فقه اسلامی با تأکید بر اصل "اصلاح مجرمین"، به جای صرفاً مجازات آنان، بر اصلاح و بازپروری مجرمین تأکید می‌کند. این رویکرد، که بر مبنای آموزه‌های قرآن و سنت استوار است، به عنوان یک رویکرد انسانی و اخلاقی در پیشگیری از جرم شناخته می‌شود (Nasr, 1987).

مقایسه نظریه‌های غربی و اسلامی در زمینه پیشگیری از جرم

در مقایسه با نظریه‌های پیشگیری از جرم در غرب، می‌توان گفت که نظریه‌های اسلامی بیشتر بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی تأکید دارند. در حالی که نظریه‌های غربی مانند نظریه‌های کنترل اجتماعی (Hirschi, 1969) و محیطی (Newman, 1972) بر عوامل ساختاری و محیطی در پیشگیری از جرم تأکید می‌کنند، نظریه‌های اسلامی به دنبال تقویت ایمان و ارزش‌های اخلاقی به عنوان راهکارهای اصلی در پیشگیری از جرم هستند.

این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تفاوت در ارزش‌ها و مبانی فرهنگی و دینی بین جوامع اسلامی و غیراسلامی است که بر رویکردهای آن‌ها نسبت به پیشگیری از جرم تأثیر می‌گذارد.

بررسی تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران و سایر کشورها

سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران

بررسی قوانین و مقررات پیشگیری از جرم در ایران

سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران به طور عمده بر اساس قوانین شرعی و فقهی تدوین شده‌اند. از جمله این قوانین می‌توان به قانون مجازات اسلامی اشاره کرد که به طور مستقیم از اصول فقه اسلامی نشأت گرفته است (Alipoor & Karami, 2011). این قانون نه تنها

مجازات‌ها و جرایم را تعیین می‌کند، بلکه به تدابیر پیشگیری از جرم نیز توجه ویژه‌ای دارد. برای مثال، در ماده‌های مختلف این قانون، تأکید شده است که دادگاه‌ها باید قبل از صدور حکم، تمامی جوانب اجتماعی و روانی مجرم را بررسی کنند و تلاش کنند تا مجرمان به اصلاح و بازپروری هدایت شوند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

علاوه بر این، قوانین مرتبط با نظارت و پیشگیری از وقوع جرم، مانند قانون امر به معروف و نهی از منکر، نیز نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کنند. این قوانین با هدف تقویت نظارت اجتماعی و تشویق مردم به مداخله در امور اجتماعی و جلوگیری از وقوع جرم تدوین شده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸).

نقش نهادهای اجرایی و قضایی در پیشگیری از جرم

نهادهای اجرایی و قضایی در ایران نقش حیاتی در اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم دارند. از جمله این نهادها می‌توان به پلیس، دستگاه قضایی، و نهادهای آموزشی اشاره کرد که هر کدام به نحوی در فرآیند پیشگیری از جرم دخیل هستند. پلیس به عنوان یکی از نهادهای اصلی در این زمینه، مسئولیت نظارت بر اجرای قوانین و جلوگیری از وقوع جرم را بر عهده دارد. دستگاه قضایی نیز با اجرای عدالت و پیگیری مجرمان، نقش مهمی در تقویت امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم ایفا می‌کند (Bagheri & Bakhshi, 2015).

سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای اسلامی

مقایسه سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای اسلامی منتخب (مثل عربستان سعودی، مصر، و ترکیه)

سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای اسلامی با توجه به تأثیرات فقه اسلامی و شرایط اجتماعی و فرهنگی، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در عربستان سعودی، قوانین و سیاست‌های جنایی به طور مستقیم از شریعت اسلامی و فقه حنبلی نشأت می‌گیرند و تأکید زیادی بر مجازات‌های شرعی مانند قصاص و حدود دارند (Vogel, 2000). در مصر، هرچند قوانین جنایی از شریعت اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند، اما تحت تأثیر حقوق مدنی و قوانین اروپایی نیز قرار گرفته‌اند که این امر به نوعی یک رویکرد ترکیبی را در پیشگیری از جرم ایجاد کرده است (Hanna, 2004). ترکیه نیز پس از اصلاحات قانونی در دوران مصطفی کمال آتاتورک، به سمت یک نظام حقوقی سکولار گرایش پیدا کرده است، هرچند که تأثیرات فرهنگی و دینی اسلام همچنان در قوانین این کشور مشهود است (Göl, 2001).

تأثیر فقه اسلامی بر سیاست‌های پیشگیری در این کشورها

فقه اسلامی در تمامی این کشورها، به رغم تفاوت‌های موجود در نظام حقوقی و سیاسی آن‌ها، نقش مهمی در تعیین و تدوین سیاست‌های پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. در عربستان سعودی، شریعت اسلامی به عنوان منبع اصلی قانونگذاری، تأثیر قوی بر تمامی جوانب قانون و از جمله پیشگیری از جرم دارد. در مصر، قوانین جنایی تحت تأثیر فقه اسلامی هستند، اما با توجه به قوانین مدنی و عرفی، یک رویکرد میانه را اتخاذ کرده‌اند. در ترکیه، با وجود سکولاریسم، تأثیرات فرهنگی و دینی اسلام در سیاست‌های پیشگیری از جرم همچنان مشهود است.

تحلیل تطبیقی و پیشنهادها

تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران و سایر کشورها

پیشگیری از جرم به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان سیاست‌های جنایی در کشورهای مختلف، به ویژه در ایران که نظام حقوقی آن مبتنی بر فقه اسلامی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران و سایر کشورها می‌تواند نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها را روشن کرده و راهکارهایی برای بهبود آن‌ها ارائه دهد.

بررسی نقاط قوت و ضعف سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی

سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران، به طور کلی، بر اساس اصول و قواعد فقه اسلامی تدوین شده است. یکی از نقاط قوت این سیاست‌ها، تأکید بر عدالت و رعایت حقوق فردی و اجتماعی است که ریشه در تعالیم اسلامی دارد (Alipoor & Karami, 2011). این تأکید بر عدالت به ویژه در اصولی مانند قصاص و حدود دیده می‌شود که نه تنها به عنوان مجازات بلکه به عنوان ابزاری برای پیشگیری از وقوع جرائم عمل می‌کنند.

یکی دیگر از نقاط قوت این سیاست‌ها، توجه به اصلاح و بازپروری مجرمان است. در فقه اسلامی، اصلاح و تربیت مجرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این امر در قوانین ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است (Kamali, 2003). برای مثال، در قانون مجازات اسلامی، تدابیری برای اصلاح مجرمان و جلوگیری از بازگشت آن‌ها به مسیر جرم پیش‌بینی شده است.

با این حال، نقاط ضعفی نیز در این سیاست‌ها وجود دارد. یکی از مهمترین نقاط ضعف، عدم تطابق کامل سیاست‌های پیشگیری با تغییرات اجتماعی و فرهنگی مدرن است. به عبارت دیگر، برخی از اصول فقهی ممکن است در شرایط کنونی جامعه به طور کامل قابل اجرا نباشند یا به دلیل تغییرات اجتماعی، تأثیرگذاری کمتری داشته باشند (Mir-Hosseini, 2000). علاوه بر این، برخی از قوانین پیشگیرانه ممکن است با حقوق بشر بین‌المللی و استانداردهای جهانی در تعارض باشند که این امر می‌تواند منجر به انتقادات داخلی و بین‌المللی شود (Hirschl, 2004).

مقایسه با سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای منتخب

در مقایسه با سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای اسلامی مانند عربستان سعودی و مصر، و کشورهای غیراسلامی مانند آمریکا و انگلستان، تفاوت‌ها و شباهت‌های زیادی وجود دارد. در عربستان سعودی، سیاست‌های پیشگیری از جرم به شدت تحت تأثیر شریعت اسلامی و فقه حنبلی است. این سیاست‌ها عمدتاً بر مجازات‌های سختگیرانه و اجرای دقیق حدود و قصاص تمرکز دارند (Vogel, 2000). در حالی که این رویکرد می‌تواند به کاهش نرخ جرم منجر شود، اما ممکن است با استانداردهای حقوق بشری مدرن در تضاد باشد.

در مصر، هرچند شریعت اسلامی نقش مهمی در قانونگذاری دارد، اما تأثیرات قوانین مدنی و عرفی نیز قابل توجه است. این کشور به دلیل ترکیب بین شریعت و حقوق مدنی، یک رویکرد میانجی را اتخاذ کرده است که به نظر می‌رسد در برخی موارد موفق‌تر از سیاست‌های پیشگیری سختگیرانه عربستان سعودی عمل می‌کند (Hanna, 2004).

در کشورهای غیراسلامی مانند آمریکا و انگلستان، سیاست‌های پیشگیری از جرم بیشتر بر پایه‌های علمی و تجربی استوار است و از نظریه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، و جرم‌شناسی بهره می‌برد (Garland, 2001). این سیاست‌ها معمولاً شامل برنامه‌های مداخله‌ای، پیشگیری وضعی، و اصلاح محیط‌های اجتماعی است که تأثیرات مثبتی در کاهش نرخ جرم داشته است.

در این مقایسه، ایران با رویکردهای کشورهای اسلامی و غیراسلامی شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی دارد. از یک سو، تأثیرات فقه اسلامی بر سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران به وضوح قابل مشاهده است، اما از سوی دیگر، ایران با اتخاذ برخی از رویکردهای مدرن، تلاش کرده است تا سیاست‌های خود را با نیازهای روز جامعه تطبیق دهد (Alipoor & Karami, 2011).

چالش‌ها و راهکارها

چالش‌های موجود در پیاده‌سازی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران

پیاده‌سازی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، تفاوت‌های موجود بین اصول فقه اسلامی و نیازهای مدرن جامعه است. برای مثال، برخی از اصول فقهی که در گذشته کارآمد بوده‌اند، ممکن است در شرایط کنونی جامعه قابل اجرا نباشند یا نیاز به بازنگری داشته باشند (Mir-Hosseini, 2000). این مسئله می‌تواند منجر به بروز تعارضاتی بین مجریان قانون و شهروندان شود که در نهایت تأثیر منفی بر پیشگیری از جرم خواهد داشت.

چالش دیگر، محدودیت‌های موجود در نهادهای اجرایی و قضایی است. به رغم تلاش‌های صورت گرفته برای اصلاح و تقویت این نهادها، هنوز مشکلاتی مانند کمبود منابع انسانی و مالی، ناکافی بودن آموزش‌ها، و فساد اداری وجود دارد که می‌تواند اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم را به چالش بکشد (Bagheri & Bakhshi, 2015).

علاوه بر این، یکی از چالش‌های اساسی، عدم هماهنگی بین نهادهای مختلف مرتبط با پیشگیری از جرم است. به رغم وجود قوانین و مقررات متعددی که برای پیشگیری از جرم تدوین شده‌اند، عدم همکاری و هماهنگی بین نهادهای اجرایی، قضایی، و اجتماعی می‌تواند به کاهش کارآمدی این سیاست‌ها منجر شود (Rahimi, 2013).

پیشنادهایی برای بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم با توجه به مبانی فقه اسلامی

برای بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران، توجه به برخی راهکارها ضروری است. نخستین پیشنهاد، بازنگری در قوانین موجود بر اساس اصول فقه اسلامی و نیازهای کنونی جامعه است. این بازنگری باید به گونه‌ای انجام شود که ضمن حفظ اصول فقهی، به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی نیز پاسخ دهد (Kamali, 2003). به عبارت دیگر، قوانین باید به گونه‌ای تنظیم شوند که ضمن رعایت اصول شرعی، قابلیت اجرایی در جامعه مدرن را نیز داشته باشند.

پیشنهاد دوم، تقویت نهادهای اجرایی و قضایی است. این تقویت می‌تواند از طریق افزایش آموزش‌های تخصصی، بهبود شرایط کاری، و مقابله با فساد اداری انجام شود. همچنین، ایجاد سازوکارهای نظارتی قوی‌تر و شفافیت بیشتر در فرآیندهای اجرایی و قضایی می‌تواند به بهبود کارآمدی سیاست‌های پیشگیری از جرم کمک کند (Bagheri & Bakhshi, 2015).

سومین پیشنهاد، ارتقای هماهنگی بین نهادهای مختلف مرتبط با پیشگیری از جرم است. این هماهنگی می‌تواند از طریق ایجاد نهادهای مشورتی و هماهنگی بین نهادهای اجرایی، قضایی، و اجتماعی تقویت شود. همچنین، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه هماهنگی بین نهادها می‌تواند به بهبود این فرآیند کمک کند (Rahimi, 2013).

در نهایت، پیشنهاد آخر، تقویت بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای پیشگیری از جرم است. این امر می‌تواند از طریق آموزش‌های عمومی، ترویج ارزش‌های اخلاقی و دینی، و افزایش مشارکت اجتماعی در فرآیند پیشگیری از جرم انجام شود. استفاده از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای نیز می‌تواند به ترویج فرهنگ پیشگیری و کاهش جرم در جامعه کمک کند (Farrington & Welsh, 2007).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به تحلیل تطبیقی سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر اساس فقه اسلامی و مقایسه آن با سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای منتخب پرداخته شد. بررسی‌های انجام شده نشان داد که سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران بر پایه‌های قوی فقه اسلامی استوار است و به رغم برخی نقاط ضعف، دارای پتانسیل‌های قابل توجهی برای کاهش نرخ جرم در جامعه می‌باشد. با این حال، چالش‌هایی نیز در اجرای این سیاست‌ها وجود دارد که نیازمند بازنگری و بهبود است.

پاسخ به پرسش‌های تحقیق نشان داد که سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران تا حد زیادی با اصول و قواعد فقه اسلامی همخوانی دارند، اما برای تطابق بیشتر با نیازهای مدرن جامعه، نیاز به اصلاح و بهبود دارند. همچنین، مقایسه با سیاست‌های پیشگیری از جرم در کشورهای دیگر نشان داد که ایران با اتخاذ رویکردهای ترکیبی، می‌تواند بهبودهای قابل توجهی در زمینه پیشگیری از جرم ایجاد کند. پیشنهادهایی که در این مقاله ارائه شد، می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای بهبود سیاست‌های پیشگیری از جرم در ایران مورد استفاده قرار گیرد. این پیشنهادها شامل بازنگری در قوانین، تقویت نهادهای اجرایی و قضایی، ارتقای هماهنگی بین نهادها، و تقویت بسترهای فرهنگی و اجتماعی است.

فهرست منابع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

موسوی خمینی، ر. (۱۳۶۸). *تحریر الوسیله*. تهران: دفتر نشر آثار امام خمینی (ره).

Alipoor, H., & Karami, M. (2011). *Islamic Criminal Law and Criminal Policy*. Qom: Islamic Research Institute.

Bagheri, M., & Bakhshi, M. (2015). The Role of Judiciary in Crime Prevention in Iran. *Journal of Legal Studies*, 4(2), 85-102.

Brantingham, P. J., & Faust, F. L. (1976). A Conceptual Model of Crime Prevention. *Crime and Delinquency*, 22(3), 284-296.

Clarke, R. V. (1983). Situational Crime Prevention: Its Theoretical Basis and Practical Scope. *Crime and Justice*, 4, 225-256.

Clarke, R. V. (1995). Situational Crime Prevention. *Crime and Justice*, 19, 91-150.

Farrington, D. P., & Welsh, B. C. (2007). *Saving Children from a Life of Crime: Early Risk Factors and Effective Interventions*. Oxford University Press.

- Garland, D. (2001). *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*. University of Chicago Press.
- Göl, A. (2001). The Identity of Turkey: Muslim and Secular. *Third World Quarterly*, 22(3), 437-448.
- Hanna, M. (2004). *Corruption and the Law in Modern Egypt*. Syracuse University Press.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of Delinquency*. University of California Press.
- Hirschl, R. (2004). *Towards Juristocracy: The Origins and Consequences of the New Constitutionalism*. Harvard University Press.
- Kamali, M. H. (2003). *Principles of Islamic Jurisprudence*. Islamic Texts Society.
- Mir-Hosseini, Z. (2000). *Islam and Gender: The Religious Debate in Contemporary Iran*. Princeton University Press.
- Motahari, M. (1980). *Dastan Rastan (The Story of the Righteous)*. Tehran: Sadra Publications.
- Nasr, S. H. (1987). *Traditional Islam in the Modern World*. Kegan Paul International.
- Newman, O. (1972). *Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design*. Macmillan.
- Rahimi, M. (2013). Challenges in Crime Prevention in Iran. *Journal of Crime and Delinquency Studies*, 7(1), 45-62.
- Vogel, F. E. (2000). *Islamic Law and Legal System: Studies of Saudi Arabia*. Brill.